

## افغانهای محترم نباید مورد بهره جویی گروه مریم رجوی قرار گیرند!

افغانهای میهن پرست پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و تجاوز اردوی سرخ و شکست و فروپاشی اتحاد شوروی دریابند که انقلابی بودن و انقلابات کار ساز رسیدن به آزادی و رفاء اجتماعی نیست. انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ لنین علیه تزاریسیم جز استبداد و فقر و نکبت چیز مهم و بهبودی به وضع مردم آن سرزمین ببار نیاورد.



حتی انقلاب فرانسه با وجود کارهای مهمی از جمله برچیدن بساط فئودالیسم، ضبط املاک کلیسا و دولتی کردن آن و محدود ساختن حقوق کلیسا و صرفاً به امور شخصی روحانی مردم پرداختند و سرانجام تقنین و تدوین حقوق بشر که فرانسه مهد دیموکراسی در جهان شناخته شد، باز هم آسیب های فراوانی ب مردم آن کشور وارد نمود.

انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز با نقشه کشی، دسیسه سازی و عوام فریبی به سود طبقه روحانی و مزدوران دنباله رو، برای غارت و چپاول مردم آغاز شد و سی و یک سال است که روز تا روز بشدت ادامه دارد و کار بجای رسیده که با در پیش گرفتن پروژه ساختن بمب اتمی، منطقه و جهان را تهدید مینماید، ولی مسلماً جهان غرب و در راس ایالات متحده آمریکا نمیتواند به آن به بی تفاوتی نگاه کند بلکه از چندی بدینسو گاهی با پیش کش نمودن امتیاز و گاهی هم با تهدید خواسته تا آن رژیم را از رسیدن بمرحله ساختن بمب اتمی مانع و منصرف سازد، که اخیراً دولت آمریکا و همپیمانانش یک سلسله فشارهایی را علیه دولت ایران تصویب و بکار بسته اند.

۱ - بعضی تعزیرات اقتصادی از جمله مسدود نمودن دارائی های آنکشور در بانک های خارج، قطع ارسال تانک و دیگر وسایل مورد نیاز نظامی، و مانع شدن از ارسال بنزین به آنکشور که چهل فیصد نیاز داخلی آنکشور از خارج تامین میشود بناء همچو اقدامات بلا تردید در ایجاد بحران در ایران تأثیر بسزائی خواهد گذاشت.

۲ - حصول توافق با دو دولت شریک عمده تجارتي و اقتصادی ایران یعنی چین و روسیه در جهت رعایت تعزیرات اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک علیه دولت ایران.

۳ - حمایت از افراد و گروه های ایرانی مخالف رژیم در داخل و خارج از آنکشور که بتاریخ ۲۶ جون ۲۰۱۰ در اثر حمایت بعضی نمایندگان پارلمان های اروپا، کانادا و امریکا نمایشی با جمعیت بیش از ده هزار نفر از سراسر اروپا و جاهای دیگر در یکی از استدیوم های واقع هومه شهر پاریس برگزار شده بود که با در نظر داشت آنهمه وسایل و امکات مالی از قدرت هر سازمان سیاسی شرقی بدور از باور است، مثلاً ده ها سرویس مسافربری، مصارف غذا، هتل و غیره چیزی نیست که بتوان آنرا در توان یک سازمان در حال از هم پاشیدن دید.

« سازمان مجاهدین خلق ایران تحت رهبری ظاهراً خانم مریم رجوی که با رای پنجصد نفر اعضای گروه خود، خود را رئیس جمهور میداند ولی در واقعیت امر رهبر اصلی همان مسعود رجوی بوده و گروه مذکور در سر سپردگی و مزدوری به دولت عراق زمان صدام حسین تعلق داشتند، یعنی مثل گروه خلق و پرچم که وابسته و مزدور دولت شوروی سابق بودند، البته خلقی و پرچمی زیر نام دفاع از سوسیالیزم و اینها زیر نام اسلام به اصطلاح دیموکراتیک، اما فعالیتهای تروریستی شان بر هیچ کس پوشیده نیست، بخصوص در زمان جنگ بین ایران و عراق که گروه مجاهدین خلق با دریافت پول و سلاح از صدام حسین سربازان و مردم ایران را که از کشور و تمامیت ارضی شان دفاع میکردند بقتل می رساندند.

ایا اینها خائن ملی محسوب نمی شوند؟ و ایا بسیار بدتر از رژیم خمینی نمی باشند؟ و اگر پاسخ مثبت باشد پس نباید هیچ ایرانی و افغان وطن پرست به تبلیغات دروغین شان باور نماید.

بهر حال آنچه مرا بنوشتن این چند سطر واداشت تعجب و شرکت آنهمه افراد از نقاط مختلف اروپا و جاهای دیگر با تبلیغ سفر مجانی در این نمایش و بالاخص شرکت یکعده کسبیری از جوانان افغان ناخود آگاه بود که به امید رسیدن



به لندن در پاریس بسر می برند، و معلوم بود که در این نمایش سیاسی از سوی قدرت جویان عوام فریب با وعده های دلگرم کننده انها را راضی به شرکت در ان گردهمایی نموده بودند، چنانچه وقتی از یک فردی در بین یک گروپ که جمپری با عکسی در تن داشت پرسیده شد، این عکس روی جمپر را که به تن داری می شناسی؟ سرش را به علامت منفی تکان داده گفت نمی شناسم.

بلی از اینجاست که میتوان دریافت چگونه بارها انسان های خوش باور و تنگ دست زیر تاثیر تبلیغات باور به انقلاب و باور به وعده بهشت بروی زمین میکنند و چون خس و خاشاک باد آورده در نمایشات سیاسی و حرکت های انقلابی شرکت می ورزند و با ریختن خون خود و هموطنان شان سر انجام سرخورده و مایوس رهسپار دیار بیگانگان شده در انتظار کار و لقمه نانی دور از فامیل و وطن مایوسانه بسر می برند و بازهم بحیث وسیله ای مورد سوء استفاده دیگران واقع میشوند.